

خبر

کشف بیش از ۱/۵ تن گوشت احتکارشده در همدان

● فرمانده انتظامی استان همدان از کشف یک‌ونیم تن گوشت احتکارشده ازسوی مأموران کلانتری ۱۲ شهرک مدرس خبر داد. به گزارش پایگاه خبری پلیس، سردار بخشعلی کامرانی‌صالح با اشاره به کشف یک‌ونیم تن گوشت احتکارشده به‌دست مأموران کلانتری ۱۲ شهرک مدرس اظهار کرد: درپی کسب خبری مبنی‌بر احتکار مقادیری گوشت از سوی فردی در انباری در یکی از مناطق شهر همدان، بررسی موضوع در دستور کار مأموران کلانتری ۱۲ شهر همدان قرار گرفت. او افزود: پس از اطمینان درباره صحت موضوع در بازرسی از این انبار، ۳۰ بسته ۲۵ کیلوگی گوشت گاو (بیزبلی) و ۳۰ بسته ۲۵ کیلوگی گوشت مرغ داخلی، مجموعاً یک‌ونیم تن کشف شد. فرمانده انتظامی استان همدان در پایان گفت: با حضور مقامات قضائی و مسئولان اداره صنعت، معدن و تجارت و دامپزشکی در محل، پرونده قضائی تشکیل و گوشت‌های کشف‌شده تحویل سازمان صنعت و معدن شد و تلاش برای شناسایی و دستگیری متهمان ادامه دارد.

استقبال بازرگانان آلمانی از راه‌اندازی کانال مالی با ایران

● انجمن بازرگانی BGA آلمان اعلام کرد که کانال جدید برای تجارت غیردلاری با ایران که فرانسه، آلمان و انگلیس برای دوزدن تحریم‌های آمریکا گشوده‌اند، مشروع است. به گزارش ایسنا به نقل از رویترز، انجمن بازرگانی BGA آلمان اعلام کرد راه‌اندازی کانال مالی جدید این‌سب پیام مهم را مخابره می‌کند که اروپا به عنوان یک شریک تجاری، قابل اعتماد است. هولگر بینگمان، رئیس انجمن بازرگانی BGA آلمان اظهار کرد: با این حال پرسش‌هایی درباره ساختار دقیق مکانیسم کانال INSTEX به قوت خود باقی مانده است. آلمان، فرانسه و انگلیس هفته گذشته با انتشار بیانیه‌ای مشترک از راه‌اندازی کانال ویژه مالی با ایران خبر دادند و اعلام کردند این کشورها در ادامه تعهد و تلاش‌های خود برای حفظ توافق هسته‌ای که به تصویب شورای امنیت سازمان ملل رسیده است، به‌طور رسمی اعلام می‌کنند که «INSTEX» (ابزار حمایت از تبادلات تجاری) راه‌اندازی شد. این سازوکار در فرانسه ثبت شده است و پر فیشر ۶۹ ساله، بانکدار برجسته آلمانی و رئیس پیشین کامرتس بانک، آن را هدایت خواهد کرد. این سه کشور اروپایی، یعنی فرانسه، انگلیس و آلمان سهام‌داران آن هستند و امیدوارند که دیگر کشورهای اروپایی از این پس به آن بپیوندند.

ادامه از صفحه اول

۱۰ نکته درباره تغییرات محدوده زوج‌وفرد

۵- تاکنون مبلغ عوارض برای محدوده زوج یا فرد (در روزهای غیرمجاز و مخالف پالک) معادل هزینه کل طرح ترافیک بوده؛ اما بعدازاین نرخ عوارض روزهای فراتر از تعداد روزهای مجاز، معادل نصف هزینه طرح ترافیک خواهد بود.

۶- تا سال قبل برای ساکنان محدوده طرح ترافیک و زوج یا فرد هیچ امتیازی دیده نشده بود و در سال ۹۷ در طرح ترافیک جدید، فقط امتیاز خروج قبل از ساعت ۸:۳۰ و بازگشت به محدوده بعد از ساعت ۱۷ اضافه شد. امسال علاوه‌بر پیشنهاد شده که ساکنان محدوده‌ها ۵۰ درصد تخفیف داشته باشند.

۷- همه نرخ‌های مربوط به طرح جایگزین زوج یا فرد، همانند طرح ترافیک امسال محاسبه می‌شود؛ یعنی تردد در ساعات ییمن روز، ارزان‌تر از اوج صبح و عصر است. البته تخفیف معاینه‌فنی برتر در سال آینده از ۲۰ درصد به ۲۵ درصد افزایش خواهد یافت. ۸- علاوه بر همه اینها، برای کسانی که تردد غیرمجاز داشته‌اند (یعنی قبل از ورود به محدوده‌ها حساب خود را شارژ نکرده بودند)، مهلتی برای پرداخت عوارض در نظر گرفته شده است که اگر در این مهلت هم عوارض پرداخت‌نشده را تسویه‌کنند، جریمه نخواهند شد.

۹- کسانی که در سال ۹۷ برای طرح ترافیک در سایت «تهران من» ثبت‌نام کرده‌اند، نیاز به ثبت‌نام جدید ندارند و فقط اگر ساکن محدوده زوج یا فرد هستند، برای بهره‌مندی از امتیازات سکونت باید مدارک خود را به دفتر خدمات الکترونیک شهر ارائه دهند که بعداً برای آن فراخوان داده خواهد شد.

۱۰- کسانی که تاکنون در سایت «تهران من» ثبت‌نام کرده‌اند، صرفاً با ثبت‌نام در سامانه و سپس افزایش اعتبار خود می‌توانند طبق همین الگو در محدوده اول (طرح ترافیک) و همچنین محدوده دوم (کنترل آلودگی هوا) تردد داشته باشند و اگر قبل از تردد حساب خود را شارژ کرده باشند، قطعاً جریمه نخواهند شد.

آنچه گفته شد، دیروز از تصویب شورای ترافیک شهر تهران گذشت و بخش‌های مربوط به نرخ و رقم پایه و تخفیف‌ها نیز امروز در شورای شهر بررسی و تصویب شد. تغییرات مربوط به محدوده زوج یا فرد از ابتدای سال آینده اجرا نمی‌شود؛ بلکه نیاز به اطلاع‌رسانی به مردم و همچنین تقویت زیرساخت‌ها دارد که آغاز آن از تابستان ۱۳۹۸ خواهد بود.

لیلا مرگن، درست در شرایطی که جامعه محلی و رسانه‌ها درگیر اعتراض به طرح انتقال آب شیرین‌شده دریای خزر به سمنان هستند، چهار سد روی رودخانه‌های مازندران ساخته خواهد شد که بین ۲۰ تا ۳۰ درصد حجم آب مخزن پشت این سدها قرار است به سمنان منتقل شود و این یعنی در مازندران سدهایی با هدف تأمین بخشی از نیازهای آبی سمنان ساخته می‌شود. وزیر نیرو که با شعار اصلی مدیریت مصرف روی کار آمد، در پاسخ به این پرسشی که آیا اجرای پروژه انتقال آب برای سمنان به مفهوم تأمین بیشتر آب نیست و منافاتی با سیاست مدیریت مصرف ندارد، عنوان کرد: ساختن سد یک فرایند صفر و یک نیست و هیچ طرحی اجرا نمی‌شود، مگر اینکه پشتوانه کارشناسی داشته باشد. البته وزیر نیرو پاسخ نداد که پشتوانه کارشناسی و مطالعات اجتماعی، اقتصادی و پیوست فرهنگی پروژه‌های یادشده، در کجا به معرض دید عموم گذاشته شده است.

افکار عمومی این روزها به‌شدت درگیر پروژه انتقال آب شیرین‌شده دریای خزر به سمنان است. نمایندگان شمال کشور در قبال این طرح موضع گرفته‌اند و مردم و کارشناسان نیز بر تبعات منفی اجرای چنین طرحی تکیه دارند. اما درست در همین روزها، چهار سد در استان مازندران به روی رودخانه‌های آب شیرین این استان احداث خواهد شد و بین ۲۰ تا ۳۰ درصد آب مخزن پشت این سدها به استان سمنان منتقل خواهد شد. سدهاییان با ظرفیت مخزن ۱۲۰ میلیون متر مکعب به روی رودخانه تلار قائمشهر، سدهای فیسک با ظرفیت مخزن ۱۱٫۸ میلیون متر مکعب به روی رودخانه سفیدرود، سد چاشم با ظرفیت ۵٫۸۸ میلیون متر مکعب به روی رودخانه خطیرکوه (کبیر) و سد گلوگاه مازندران بر روی رودخانه نکارد با ظرفیت ۱۱۳ میلیون متر مکعب ساخته خواهد شد. اگرچه شعار اصلی رضا اردکانیان، وزیر نیرو در زمان روزگارانم بر مدیریت مصرف متمرکز بود، اما در عمل به نظر می‌رسد هنوز هم این وزارتخانه به دنبال پروژه‌های تأمین آب آن هم از جنس انتقال است. وزیر نیرو در نشستی خبری که به مناسبت پیروزی انقلاب اسلامی دیروز در محل وزارت نیرو برگزار شد، در پاسخ به خبرنگار «شرق» درباره سدسازی به روی رودخانه‌های مازندران و انتقال بخشی از آب آن به سمنان با وجود شعار مدیریت مصرف، عنوان کرد: بر بدهدای که هم به دولت و هم رئیس‌جمهور، مجمع نمایندگان

استان‌های مختلف و مجلس (به عنوان دستگاه نظارتی است) دادم، باقی خواهم ماند. وعده من این بوده است که هیچ طرحی اجرا نمی‌شود، مگر اینکه پشتوانه کار کارشناسی داشته باشد. او ادامه داد: در حد توان هم اجرای هیچ کاری منتفی نخواهد شد مگر اینکه از این پشتوانه کارشناسی برخوردار نباشد. این‌خاطرجمعگی را داشته باشید و به خوانندگان منتقل کنید که وزیر نیرو بر این مسئله کاملاً پایبند است. باید از فضای صفر و یکی خارج شویم. علم هیدرولوژی علمی کاربردی است. تا مدت‌ها مجادله بین کارشناسان این بود که هیدرولوژی را به دلیل عدم قطعیت‌هایی که در ذات مسئله آب است، علم به حساب بیاوریم یا نه.

به گفته اردکانیان، موضوع سدسازی یک موضوع صفر و یکی نیست. باید با توجه به شرایط اقلیم و اقتضات هر منطقه تصمیم درست را گرفت. در استان کیلان، سالانه صدها میلی‌متر (که معادل میلیاردها متر مکعب بارش است) را روانه دریا می‌کنیم؛ به نحوی که مناطق وسیعی در روستاهای این استان وجود دارد که ممکن است، مشکل آب شرب داشته باشند. او با اشاره به محدودیت کشت برنج در استان‌های غیرشمالی و سیاست‌گذاری در راستای غیراقتصادی‌شدن کشت برنج در سایر استان‌ها، بر تأمین زیرساخت‌های مورد نیاز برای کشت برنج در

اقتصاد

وزیر نیرو بر ساخت پروژه‌های آبی پس از مطالعات کارشناسی تأکید کرد

انتقال آب ۴ سد به زادگاه رئیس‌جمهور



عکس: ایسنا

استان‌های شمالی تأکید کرد. به اعتقاد وزیر نیرو، بحث سدسازی و سدساختن، بحثی صفر و یکی نیست. سدسازی می‌تواند در جا و زمان خود، کار موچه و لازمی باشد و می‌تواند در زمان‌ها و مکان‌هایی یک کار غیرموجه باشد. گریزی از این نداریم که پایبند به مبانی این کار و الزامات آن باشیم. او در پاسخ به سؤال دیگر «شرق» درباره مواضعش در قبال انتقال آب به سمنان تأکید کرد: اینکه گفتم هیچ پروژه‌ای بدون نظر کارشناسی اجرا نمی‌شود و بالعکس، اشاره به بحث انتقال بود.

اسنادمطالعات منتشرشود

اگرچه وزیر نیرو بر انجام کارها بر اساس مطالعات کارشناسی تأکید دارد، اما هیچ آدرس مشخصی در اختیار کارشناسان قرار ندارد که پیوست‌های مختلف پروژه‌های سدسازی روی رودخانه‌های مازندران را مشاهده کنند. عباسقلی جهانی، عضو سابق شورای جهانی آب، در گفت‌وگو با «شرق» بیان می‌کند: من مطالعات سدهای در دست ساخت مازندران را ندیده‌ام، ولی تا جایی که اطلاع دارم، در آنجا سلسله سدهایی در دست مطالعه است. اهداف همه آنها تقریباً بر اساس مسائلی که در قراردادهای آمده است، تا جایی که می‌دانم، استفاده از منابع آب این سدها در داخل خود حوضه آبریز است. او اضافه می‌کند: مگر اینکه در فرایند این مسائل و مشکلاتی که بین مسئله

حسین راغفر و احسان سلطانی در انتقاد به موضع‌گیری مرکز پژوهش‌های مجلس بررسی کردند

تورم ۲۰۰ درصدی با آزادسازی قیمت کالاهای وارداتی افزایش دو برابری قیمت ارز رسمی باعث کاهش ۳۵ درصدی تولید ناخالص داخلی ایران می‌شود

هزار تومانی این فساد محدود می‌شود. درصورتی‌که کارآیی دولت تا این حد پایین و فساد این‌قدر زیاد باشد، بنابراین دامنه تبعات و عواقب آن به تأمین کالاهای اساسی محدود نمی‌ماند و کلیه امور کشور را دربر می‌گیرد. ۵) در گزارش مرکز پژوهش‌ها گفته شده که از تأمین ارز ترجیحی برای واردات کالاهای اساسی، صرف‌کنندگان نهایی برخوردار نشده‌اند و به جای آنها گروه‌های ویژه‌ای که دسترسی به مجوز و ارز واردات کالاهای اساسی داشته‌اند، با عرضه کالاهای اساسی وارداتی براساس قیمت ارز آزاد به بازار و صادرات آنها منافع کلان به دست آورده‌اند. پرسش اینجا است که آیا این گروه‌های ویژه که دسترسی به مجوز و ارز داشته‌اند با افزایش قیمت ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی به هشت‌هزار تومانی دسترسی‌شان به ارز و مجوز محدود می‌شود یا فقط قیمت‌های کالاهای عمومی با جهش قیمت چند ۱۰ درصدی مواجه خواهند شد؟ طبق محاسبات ما اگر عرضه کالاهای اساسی به بازار براساس قیمت ارز آزاد صورت گرفته باشد، هم‌اکنون باید تورم کالاهای اساسی و به تبع آن مواد غذایی و دارو حدود ۲۰۰ درصد باشد. ۶) نرخ ارز رسمی (چهارهزارو ۲۰۰ تومان) درحالت فعلی از ترجیحی قیمت و مقاومت روانی در برابر افزایش نرخ ارز و به تبع آن نرخ تورم عمل کرده است که در برابر انتظارات تورمی و افزایش قیمت‌ها مانع کم‌وبیش مؤثری محسوب می‌شود.

۷) تجربه قبلی در اعطای یارانه‌های نقدی نشان می‌دهد که مصرف حامل‌های انرژی کاهش نیافت، گرانی‌ها تشدید شد و در نهایت ارزش یارانه‌ها در عمل تقلیل یافت.

۸) هم‌اکنون وضعیت فقر در کشور به‌گونه‌ای گسترش و تعمیق یافته که دیگر نقاط بسیار محروم و کپرنشینان و حاشیه‌نشینان نماینده فقرا نیستند و حداقل یک‌سوم طبقه شهری (شامل کارگران و بازنستگان) به طبقه فقرا پیوسته‌اند. از تضعیف ارزش پول ملی و افزایش بهای حامل‌های انرژی جز بینواسازی بخش قابل‌توجهی از مردم دستاورد دیگری عاید نشده است. ۹) در گزارش بارها از مستحکم‌ای حمایت از تولید داخلی در جهت جهش نرخ ارز استفاده شده است. در غیاب نهادهای و ساختارهای پشتیبان تولید و بسیاری از مؤلفه‌ها و عوامل دیگر، افزایش نرخ ارز به رشد خام‌فروشی و فروش ثروت‌های ملی منجر شده و از اثرات مثبت و سازنده خبری نبوده است. در اقتصاد جهانی هیچ‌گاه صرفاً با اهرم جذب‌برابرکردن نرخ ارز، صادرات توسعه پیدا نکرده است.

۱۰) در گزارش مرکز پژوهش‌ها در نگاهی گزینشی، ابزاری و سطحی (که توسط رسانه‌های وابسته به بنگاه‌های بالادستی رانتی- خصولتی ترویج می‌شود) و با تحریف واقعیت‌ها، ذکر شده که آزادسازی قیمت فروش کالاهای پتروشیمی منجر به کاهش قیمت‌ها شده است. در سه دهه اخیر شگرد بنگاه‌های دولتی و شبه‌دولتی برای افزایش قیمت‌ها، مهندسی عرضه با ایجاد اختلال در بازار، کمبود مصنوعی و بازار سیاه و پس‌ازآن افزایش قیمت‌ها به سطح دلخواه بوده است. برخلاف آنچه در گزارش ذکر شده، اعتراض تولیدکنندگان پایین‌دستی و الزام پتروشیمی‌ها به عرضه محصولات خود (با قیمت جهانی به نرخ ارز نیما) در بورس کالا موجب شد تا بهای محصولات پتروشیمی‌ها کاهش پیدا کند.

۱۱) افزایش دوبرابری قیمت ارز رسمی موجب خواهد شد که تولید ناخالص داخلی ایران (به دلار) بیش از ۳۵ درصد کاهش پیدا کند و حتی اندازه آن در اقتصاد کشور-کوچکی مانند امارات متحده عربی نیز کمتر

انتقال آب از خزر به سمنان پیش آمده است، اهداف این پروژه‌ها مقداری دستخوش تغییر شده باشد و برای جبران این مسئله، به موضوع انتقال آب شیرین رودخانه‌ها روی آورده باشند. عضو سابق شورای جهانی آب، همان‌طور که بارها تأکید کرده است، انتقال آب برای تأمین نیازهای شرب و نه صنعت را آخرین راهکار در مجموعه مدیریت این منبع حیاتی می‌داند. او افزود: انتقال آب به‌طور صد درصد‌رشدده نیست، اما بعد از اینکه یک سری ملزومات را فراهم کردیم، وقتی آبی را برای شرب جابه‌جا می‌کنیم، ۸۰ درصد آن امکان بازچرخانی مجدد دارد. بازچرخانی آب حتی در کشورهای پرباب نیز در دستور کار دولت‌ها قرار دارد. او تأکید کرد: برای تصمیم‌گیری درباره انتقال آب، باید مطالعات لازم در زمینه اینکه حداکثر بهره‌برداری از منابع موجود انجام شده است و آیا اصول مدیریت تقاضا را رعایت کرده‌ایم یا نه، در حوضه گیرنده انجام شود. اگر این مطالعات نشان داد اقدامات لازم انجام شده است، باید روش محاسبه نیازهای حوضه پذیرنده آب بررسی شود، مبنی بر اینکه این محاسبات به چه ترتیبی بوده‌اند. به گفته جهانی، ما در سمنان این کارها را انجام نداده‌ایم. اگر این کارها انجام شده است، خوب است که این مطالعات ارائه شود؛ این مسئله‌ای سزی نیست که بگوییم برای تأمین آب شرب یک شهر نمی‌توان مدارک و مستندات مطالعات آن را ارائه داد. او افزود: گروه مستقلی نیز تعیین شود تا مطالعات را بررسی کند. اگر به این نتیجه رسیدند که مسیر طی‌شده درست بوده است، بالاخره مردم را بدون آب شرب نمی‌توان گذاشت. بااین‌حال معتقدم هنوز به این پیش‌نیازها توجه نشده است و هنوز نحوه مطالعات برای گروه‌های کارشناسی مستقل مشخص نیست.

صادرات برق ایران به سوریه

در نشست خبری دیروز، وزیر نیرو به دستاوردهای صنعت آب و برق در ۴۰ سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی اشاره کرد. او گفت: تا پیش از تیر ۲۸، نیروگاه سیکل ترکیبی وارد مدار تولید خواهند شد. اردکانیان همچنین از امضای یادداشت تفاهم همکاری با عراق برای انتقال فناوری و تکنولوژی ساخت نیروگاه به این کشور خبر داد و افزود: ایران قصد دارد از مسیر عراق به کشورهای سوریه برق صادر کند. او همچنین از اعلام آمادگی کشور سوریه برای خرید ۸۰۰ مگاوات برق، افزون بر ظرفیت نصب‌شده در این کشور خبر داد.

یادداشت

نقدی بر لایحه مشارکت عمومی- خصوصی

قاسم ملکی

● لایحه مشارکت عمومی- خصوصی پس از چهار سال رفت‌و برگشت پیش‌نویس‌های تهیه‌شده از سوی وزارت اقتصاد و دارایی و معاونت‌های فنی و امور اقتصادی سازمان برنامه و بودجه بالاخره در اول بهمن به تصویب هیئت دولت رسید و به قید یک فوریت برای مجلس ارسال شد. در این لایحه که خلا آن در اقتصاد و همچنین نظام فنی و اجرایی کشور مشهود است، با وجود برخی زمینه‌سازی‌های نهادی و سیاست‌گذاری‌های لازم برای توسعه مشارکت، تأمین مالی توسعه و حل مشکلات بیمه و مالیات نواقصی نیز مشاهده می‌شود که در مراحل تدوین و ارائه لایحه مورد تأکید قرار گرفت، اما متأسفانه مورد غایت کافی واقع نشده است. با توجه به اهمیت این لایحه اساسی در سرنوشت کشور و نظام فنی و اجرایی آن نواقص مهم لایحه تقدیمی هیئت دولت در زیر به اجمال مورد اشاره قرار می‌گیرند:
۱- در هیچ جای دنیا پدیده‌ای به نام مشارکت عمومی- خصوصی وجود ندارد. آنچه هست، شراکت عمومی- خصوصی است که یک تأسیس حقوقی جدید در رابطه بخش عمومی با بخش خصوصی است. مشارکت پدیده‌ای عام و شراکت یکی از عالی‌ترین مراحل آن است که در آن دو طرف وارد مناسبات اقتصادی و سود و زیان با یکدیگر می‌شوند؛ درحالی‌که مشارکت عام اساساً فاقد زیان است. مشارکت انواع مختلف اجتماعی یا شهروندی، سیاسی، اقتصادی و… دارد و بر هر نوع رابطه همکاری، اعم از مطلع‌شدن، مشاوره و خشنودسازی گرفته تا شراکت، تفویض اختیار و کنترل شهروندی نیز اطلاق می‌شود.
۲- حذف روش سرمایه‌گذاری مشترک (جنبیت ونچر) از مجموعه روش‌های شراکت در آخرین پیش‌نویس لایحه تا قبل از مصوبه اول بهمن هیئت وزیران لطمه جبران‌ناپذیری، به‌ویژه بر شراکت در توسعه شهری که این روش الگوی غالب آن است، وارد می‌کند. اساس بیوهنامه امور سرمایه‌گذاری و مشارکت شهرداری ابلاغی وزارت کشور، قراردادهای مشارکت شرکت مادرتخصصی عمران شهرهای جدید و اغلب پروژه‌های توسعه در شهرهای موجود بر این روش شراکت قرار دارد. ذکرکردن صریح این روش و سازوکارهای اصلی آن به گمان غلط محدودیت شراکت عمومی- خصوصی بر روش‌های مبتنی بر بهره‌برداری و بیع متقابل در ادبیات جهانی شراکت لطمه بزرگی بر سازماندهی شراکت در توسعه شهری زده است.
۳- در فرایند تدوین لایحه بر ضرورت نهادی به نام مجری مشارکت با وظایف گسترده، از تعریف پروژه و مدیریت انتشار فراخوان تا انتخاب شریک و عقد قرارداد شراکت و همچنین تدوام آن به نظارت بر سرمایه‌گذاری و اجرای طرح تا آغاز بهره‌برداری تأکید شد؛ اما این نهاد بسیار ضروری در اتاق بازرگانی و کمیسیون اقتصادی دولت به تسهیلگر مشارکت با وظیفه محدود تا انتخاب شریک تقلیل یافت. ادامه شراکت و مدیریت آن با توجه به سیاست کوچک‌سازی دولت و برون‌سپاری وظایف غیرحکومتی دولت به بخش خصوصی چه می‌شود وقتی خیل عظیمی از مهندسان مشاور توانمند در کشور برای مدیریت قرارداد و مدیریت طرح سرمایه‌گذاری وجود دارند؛ مگر در نسل نوین قراردادهای ساتی از نهاد مدیریت طرح و مدیریت پیمان با عامل چهارم و در روش طرح و ساخت (EPC) از نهاد خدمات مشاور کارفرما برای وظایف مدیریت طرح از جانب بخش عمومی استفاده نمی‌شود؟ چرا باید در شراکت در سرمایه‌گذاری که رابطه بسیار پیچیده‌تر و توفین‌تر است، از خدمات نهادی که مدیریت ابتدا تا انتهای شراکت، به‌ویژه نظارت بر سرمایه‌گذاری و مدیریت تغییرات طرح، میانجیگری، حل اولیه اختلافات و تسطیم محصول طرح را تحت نظر بخش عمومی انجام می‌دهد، استفاده نشود؟ وجود دو تسهیلگر مشارکت در یک پروژه به صورت موازی وقتی کشور حجم عظیم پروژه جدید و نیمه‌تمام برای مشارکت و کمبود شدید همان تسهیلگران آموزش‌دیده و خبره مشارکت را دارد، چه ضرورتی دارد؟ آیا سیاست موجب اتلاف منابع انسانی و مالی بخش‌های عمومی و خصوصی نمی‌شود؟
۴- اگر توسعه، ارتقای کیفیت زندگی مردم است، چرا سرمد و نهادهای مردمی در این فرایند شرکت ندارند؟ در فرایند تدوین لایحه بسیار بر ضرورت سمت‌گیری اجتماعی برای تضمین منفعت عمومی و فراوری شراکت عمومی- خصوصی (PPP) به شراکت عمومی-اجتماعی-خصوصی (PSPP) تأکید شد؛ اما بیش از مقاومت بخش عمومی با مقاومت فزون‌تر بخش خصوصی و نهادهای آن که انکار با حضور مردم جای خود را در توسعه تنگ می‌دیدند، روبه‌رو شد. در کشوری که در آن بزرگ‌ترین انقلاب اجتماعی قرن رخ داده و در اصل ۴۴ قانون اساسی آن سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی به‌عنوان قسمتی از بخش اجتماعی ارکان اقتصاد کشور را تشکیل می‌دهد، چرا باید نمایندگان بخش اجتماعی، شامل تعاونی‌ها، انجمن‌های مردمی، نمایندگان گروه‌های محروم اجتماعی، خریه‌ها و… حضوری در توسعه داشته باشند؟ فرض نمایندگی دولت و بخش عمومی از طرف مردم در توسعه و همچنین مسئولیت اجتماعی بخش خصوصی؛ هر دو گفایت تضمین سمت‌گیری اجتماعی توسعه در شرایط غیبت مردم و نهادهای مردمی را نمی‌کنند.

ادامه در صفحه ۱۵